

## مقدسات مردم را نباید قربانی تروریسم و آزادی بیان نمود

این قلم در ضمن اینکه عمل تروریستی 7 جنوری پاریس را شدیداً تقبیح می کند، همچنان کار و عمل آنهایی را که زیر عنوان آزادی بیان با کشیدن کاریکاتور پیامبر اسلام و تصاویر تحقیر آمیز به آدرس مسلمانان و پیروان دیگر ادیان قلب میلیونها انسان را جریحه دار می سازند نیز سخت نکوهش نموده و هرگز قابل توجیه نمی داند، که کسانی از فضای باز دمکراسی و آزادی بیان استفاده سوء نموده و مقدسات مردم را به بازی بگیرند. "هرچه از حد بگذرد رسوا شود" با استفاده از فضای آزاد و دمکراسی، نباید به مقدسات و عقاید دیگران توهین نمود؛ آنهایی که مقدسات مسلمانان را به مسخره می گیرند، باید اینرا خوب بدانند که با این کار خود در حقیقت آب فراوان به آسیای تروریسم بین المللی، القاعده و داعش و بوکوحرام میریزند. تروریستها با هر چهره خشینی که دست به اعمال وحشیانه ای تروریستی می زنند آدمکشان حرفوی هستند که آگاهانه و غیر آگاهانه و با استفاده از نام مقدس اسلام دست به اعمال تروریستی می زنند، که در واقع با این عملکردهای زشت شان دین مبین اسلام و حیثیت و شرافت میلیونها مسلمان را در سراسر جهان نزد پیروان دیگر ادیان خوار و ذلیل می سازند.

متأسفانه بعضی از نویسندگان و روزنامه نگاران در غرب، از هردو جناح حتی از میان مسلمانان نقشه ها و طرح های حملات تروریستی را به مسلمانان نسبت می دهند که اشتباه بزرگ است و در حقیقت ظلمی است مضاعف در حق مسلمانان و جهان اسلام، آخر یک میلیارد و چند صد میلیون مسلمان همه ترورست نیستند. با صراحت می خواهم در این معروضه خاطر نشان بسازم، با وصف آن که تروریستان اکثراً در ظاهر پیرو دین اسلام هستند، اما آنچه که مسلم است حملات انتحاری و تروریسم بین المللی بیشترین قربانی را از میان مسلمانان گرفته است و این مسلمانان هستند که از این ناحیه تا بحال بیشتر متضرر گردیده اند. قول معروف است که "جنایت کار ملیت ندارد" بنابراین نباید هر جنایتی که بنام اسلام صورت می گیرد آنرا نابخردانه و یا هدفمندانه به مسلمانان و جهان اسلام نسبت داد. تروریستها به هیچ دین و آیینی پای بند نمی باشند، آنها به "ماین" های کنار جاده ای مانند اند، که چه در افغانستان، چه در پاکستان چه در اوکراین، چه در اسرائیل چه در فلسطین، چه در سوریه چه در لبنان، چه در سومالی، چه در سودان، چه در روسیه، چه در کشمیر، چه در اندونیزیا و چه در لندن و پاریس، در هر جای که بخاطر قتل و کشتار فردی و جمعی قرار داده می شوند دکمه فشار «ریمانت کنترل» آنها فرسنگها دور در گوشه دیگری از جهان در کیسه شخصی نامسلمان قرار دارد.

البته آنچه که مبرهن است از به تصویر کشیدن کاریکاتور پیغمبر اسلام تا به آتش کشیدن آیات قرآن در امریکا - از ساختن فلم های حساسیت بر انگیز ضد اسلامی و در واکنش به آن تا شورش های خشونت آمیز خیابانی در جاده های پاکستان و مصر و لیبی و افغانستان - از ایجاد گروهک های بنیادگرای اسلامی تا حرکات انتحاری و اعمال تروریستی - از ناسیونالیسم افراطی تا ظهور جدید و گسترش بی سابقه نیوفاشیسم در اروپا همه و همه آگاهانه و سازمان یافته شکل دهی یک تسلسل موزاییک و زنجیره ایجاد ترور و وحشت است که از یک مثلث شیطانی می خواهند بخش اعظم از جهان را توفانی و بی ثبات ساخته و میلیونها انسان را در اقیانوس از ترور و وحشت غرق بسازند و خود و وابستگان شان فارغ از همه دغدغه ها عیش و نوش کنند، بیشتر سلاح و ابزار های جنگی تولید کنند، بیشتر اسلحه بفروشند، بیشتر هیرویین تولید کنند و بیشتر هیرویین بفروشند و در آتش نفت و باروت و درد و رنج معتادان

هیرویین بزم خون برپا نموده جنگ های جدید را سر از نو میان پیروان مذاهب و اقوام و ملت های مختلف در سراسر جهان ثانیه به ثانیه گسترش دهند.

تردیدی ندارم که آشوبگران همه از یک منبع مغزشویی و سازماندهی شده و از یک مثلث شیطانی حمایت مالی و نظامی می شوند، دهشت افگنان بین المللی در امریکا احمقی را مستقیم و یا غیر مستقیم وظیفه می دهند که اوراق قرآن را به آتش بکشد و یا در فرانسه و دنمارک و بلژیک با استفاده از آزادی بیان بوسیله روزنامه نگاری که خودش ممکن از پلانهای شوم پشت پرده اطلاعی نداشته باشد از صورت پیامبر اسلام خیالی کاریکاتور می سازند و یا دختری جوانی را لخت نموده و واژه های از قرآن را به تن او می نویسند، بعدی آن از طریق فیس بوک و یوتوب و دیگر وسایل اطلاعات جمعی بزودی این فلم ها و تصاویر را در سراسر جهان انتشار می دهند، بعد آن که احساسات مسلمانان در واکنش به آن بجوش آمد، فردای آنروز از طریق منابع استخباراتی به سراغ مزدوران اجیر شده ای شان رهبران داعش و جمعیت العلماء و طالبان و بوکوحرام و سایر احزاب افراطی اسلامی وارد عمل می شوند، بعد از طریق آنها در میان افراطیون شعار های ضد غربی و غرب ستیزی و ضد عیسویت و ضد یهودی را سازماندهی می کنند و هزاران مرد و زن مسلمان و بی خبر از دین و دنیا را بر ضد غربی ها در کوچه ها و خیابانها در کشورهای اسلامی مثل روم سرازیر می کنند، همزمان با آن و با استفاده از این وضعیت بحرانی در غرب کاردها و بُکس پنجه های نیوفاشیست ها و ناسیونالیستهای افراطی را از استخوانهای سیاه و سوخته تروریستان و انتحاریون دسته نو می سازند که نیوفاشیست ها و نیونازیست ها در کشورهای اروپایی بر ضد مهاجرین به ارتش ذخیره شان بیشتر سربازگیری کنند و با ایجاد تشکل ها و گروه های جدید شرایط زیست مسلمانها و سایر مهاجرین را به چالش بکشاند تا اوضاع را بحرانی و بحرانی تر بسازند. در چنین شرایطی حساسیت برانگیز و بحرانی یک دو هنرپیشه و یا چند جوان را در ظاهر ماسک و حجاب عربی می پوشانند و از طریق پرده تلویزیونها و انترنیت به تماشا می گذارند، بعد در میان جوانان اروپایی تبلیغ می کنند که ببینید مسلمانها آمده اند و در غرب می خواهند به شما شریعت اسلامی را بیاموزانند و رسم و آیین اسلامی را دیکته کنند برادران و خواهران شما را از دین تان منحرف می سازند، و از این قبیل حرفها، در همین کشمکش ها در مساجد لندن و دیگر شهرهای اروپایی چندتا ملا و شیخ را توظیف می کنند که آزادانه تبلیغ ضد عیسویت نمایند، که البته بعضی از این مبلغین از جمله ای همان ملاهای فروخته شده اند که پدرها و پدر کلانهای شان یک قرن پیش در فابریکات ماسازی پیر استعمار در مصر و شبه قاره هند و شبه جزیره عربستان و اطراف آن تولید مثل داده بودند و امروز به تکثیر بنیادگرایی و سمپاشی در میان جوانان مهاجر در اروپا عرق ریزی دارند.

خلاصه با بیان آنچه گفته آمدیم، اندیشه تروریسم و نقشه ها و پلان های تروریستی از یک آدرس و از یک مثلث شیطانی رهبری می شود که در آن فراعنه نفت، گاز، هیرویین، طلا، الماس و اسلحه از میان مسلمان و یهود و مسیحی در یک اتحاد نامقدس جمع شده اند که دهشت می آفرینند و به سراسر جهان تروریست و انتحاری صادر می کنند، آنها شب و روز در تلاش اند تا بهر وسیله ای که شده باشد بین مسلمانان و غیر مسلمانان تخم نفاق را بکارند و از این طریق بین مسیحیان و مسلمانان آتش جنگ را شعله ور ساخته و خود از میان دود و آتش آن سود ببرند.

اما چه باید کرد؟

دولت های ضعیف مثل افغانستان، عراق و سوریه خود قربانی جنگهای تحمیلی و تروریسم بین المللی اند و به تنهایی این توانایی را ندارند که علیه تروریسم مبارزه کنند، قدرت های بزرگ با وجود آن که در ظاهر علیه تروریسم مبارزه می کنند، اما متأسفانه به دلایلی که در بالا ذکر شد اکثراً نمی خواهند که ریشه های تروریسم را کنده و خشک بسازند، حتی بعضی های شان خود حامیان اصلی باند های تروریستی مثل داعش و طالبان و بوکوحرام می باشند. پس راه دیگری را سراغ ندارم، بجز آن که جوانان در سراسر جهان متحد شوند.

جوانان در همه نقاط جهان از طریق فیسبوک و وسایل اطلاعات و ارتباطات جمعی علیه تروریسم و جنگ افروزی متحد شوید؛ ممکن در این راستا حد اقل گام های کوچک، اما مثبتی بردارید. امید است این ابتکار و این وظیفه بزرگ را جوانان میهنم بدوش بگیرند و از طریق فیس بوک و فهم و دانش زبان های خارجی شان جوانان سایر کشورها را علیه تروریسم و جنگ افروزی متحد بسازند اتحادیه بین المللی جوانان را بوجود بیاورند که به هیچ دولت و سازمانهای بین المللی ارتباط نداشته باشد، به منابعی پولی هم نیاز نداشته باشد، چون تجربه نشان داده است که تا حال اتحادیه های زیادی ایجاد گردیده است، اما وقتی که پای سازمانهای بین المللی و حمایت پولی از جوانی دخیل شده است، کار بجای نرسیده و نتیجه مطلوب بدست نیامد است.

جوانان سراسر جهان متحد شوید!

با درود ضیا باری بهاری